

زن در فرهنگ و هنر دوره ۳، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۰: ۵۷-۷۶

لالایی‌ها، رسانه‌های زنانه یا ملودی خواب‌آور کودکان؟

(تحلیلی جامعه‌شناختی از لالایی‌های منطقه لامرد فارس)

حلیمه عنایت*، مریم حسینی**، جواد عسکری‌چاوردی***

چکیده: هدف از پژوهش حاضر تحلیل مضامین لالایی‌های منطقه لامرد فارس از دیدگاه جامعه‌شناسی و ترسیم وضعیت زنان در خانواده و کشف کارکردهای لالایی در منطقه مذکور می‌باشد. این پژوهش به شیوه تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی انجام شده است. یافته‌های پژوهش در دو بخش عرضه گردیده است. در بخش نخست به مفاهیم مرتبط با ساختار خانواده و کارکرد لالایی‌ها در روابط زن و شوهر و در بخش دوم به کارکرد لالایی‌ها در روابط مادر و کودک پرداخته شده است. نتایج مطالعه، وضعیت زنان در جامعه مردسالار و سنتی را به تصویر می‌کشد و مدعی است که لالایی‌ها در چنین شرایطی کارکردهای پنهانی برای زنان داشته است. اول، فضای اعتراض برای زنان ایجاد نموده است؛ دوم، شرایطی برای گفت‌و شنود و بیان خواسته‌ها و به عبارت بهتر تسهیل روابط، مهیا ساخته است؛ سوم، فضایی برای تخلیه فشار ساختاری و روانی موجود فراهم آورده است. لذا باتوجه به نوع کارکردهای لالایی‌ها برای زنان، در مجموع می‌توان لالایی‌ها را به مثابه رسانه‌های زنانه دانست.

واژه‌های کلیدی: لالایی، رسانه، زنان، کودکان، خانواده، لامرد، فارس.

مقدمه و بیان مسئله

در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه^۱، ترانه‌ها جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. آن‌ها آفریده ذهنی توده مردم بوده، در میان آنان شکل گرفته، به کمال رسیده و مطابق با فرهنگ‌ها، اقوام، زبان‌ها و متناسب با شرایط اجتماعی دگرگونی‌هایی را پذیرفته‌اند (جمالی، ۱۳۸۷). ترانه‌های عامیانه دارای ویژگی‌هایی هستند که

ha_enayate@Yahoo.com

maryam_hosseini328@Yahoo.com

Askari_lar@Yahoo.com

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

** پژوهشگر جهاد دانشگاهی فارس

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ایران‌شناسی دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۷/۱۱

1. Folklore

۵۸ زن در فرهنگ و هنر دوره ۳، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۰

به آن‌ها برجستگی می‌بخشد. از یک سو به سبب سادگی بیان و روانی کلام به آسانی قابل فهم‌اند و از سوی دیگر، به دلیل آن‌که در آغوش مردم رشد و تحول یافته‌اند، پیوند مستقیم و نزدیکی با تمامی شئون زندگی مردم دارند و به تعبیری واقع‌گرا هستند و شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مردم هر منطقه را منعکس می‌سازند (سادات‌اشکوری، ۱۳۷۷: ۶۴ به نقل از جمالی، ۱۳۸۷ و وجدانی، ۱۳۸۷). لالایی‌ها یکی از انواع ترانه‌های عامیانه هستند که اغلب توسط زنان سروده و خوانده می‌شوند. در لغت‌نامه دهخدا در تعبیر واژه «لالایی» آمده است «صوتی است که بدان طفل را در گهواره خوابانند. آواز نرم مادران و دایگان برای خوابانیدن کودک» (دهخدا، ۱۳۷۷). این واژه در فرهنگ‌های مختلف به شکل‌های مختلفی شامل «لالای لای، لالا، لالای، لولو، لالی، نی‌نا، نانا، بوبو، دودو» نیز آمده است (احمدپناهی، ۱۳۸۳: ۲۰۸).

لالایی‌ها در گذشته بسیار رایج بوده‌اند و به دلیل کارکردهای که داشته‌اند سال‌های طولانی در میان اقوام و فرهنگ‌های مختلف حفظ شده‌اند. کارکرد ظاهری لالایی، آرام کردن و خوابانیدن کودکان بوده که این کارکرد توسط ملودی و ریتم آرام لالایی انجام می‌شده است، اما به نظر می‌رسد در بسیاری از جوامع سنتی، لالایی‌ها، کارکردهای دیگری نیز داشته‌اند. به‌طور کلی، لالایی‌ها را می‌توان دارای دو بخش ساختار و محتوا دانست که به تعبیر عده‌ای از اندیشمندان (دل‌گیودیک^۲، ۱۹۸۸) ساختار و ریتم و آهنگ آن متعلق به کودک و محتوای آن متعلق به مخاطبانی مانند شوهر، برادر، پدر و حتی سایر زنان بوده است. ژوکوفسکی (۱۳۸۲: ۱۱۷) معتقد است که «اشکال لالایی، همه‌جا از ساده‌ترین ناله‌های غم‌انگیز و غیرمنظوم که رنگ اندیشه‌های فروخورده زن را به خود گرفته‌اند به وجود آمده‌اند» لذا بررسی محتوا و کارکرد لالایی‌ها، می‌تواند به درک بهتر وضعیت زنان در جوامع کمک کند.

مطالعه لالایی‌ها از چند جهت دارای اهمیت است. اول؛ لالایی‌ها، بخش مهمی از میراث فرهنگ شفاهی هر کشور است که زنان در آفرینش و انتقال آن به نسل بعدی، نقش اصلی را عهده‌دار هستند و از این بابت با تمام اشکال ادبیات شفاهی تفاوت پیدا می‌کند (وجدانی، ۱۳۸۷)؛ دوم؛ لالایی‌ها در طی قرون متمادی از لایه‌های ذهن و زبان توده مردم متأثر گردیده، لذا آیینی تمام‌نمای بسیاری از جنبه‌های واقعی زندگی اجتماعی هستند و از آن‌جا که زنان سراینده فی‌البداهه لالایی‌ها بوده‌اند، بسیاری از شرایط و مؤلفه‌های زندگی آن‌ها در این اشعار انعکاس یافته‌است. از این رو، می‌توان با تجزیه و تحلیل محتوا و مضامین لالایی‌ها به درک ساختار ذهنی زنان و آمال و آرزوهای‌شان و همچنین وضعیت آن‌ها در خانواده و اجتماع ناائل

². Del Giudice, L.

لالایی‌ها، رسانه‌های زنانه یا ملودی خواب‌آور کودکان ۵۹

گردید. در نهایت به نظر می‌رسد مطالعه منطقه‌ای لالایی‌ها می‌تواند در درک تأثیر فرهنگ و زندگی اجتماعی بر مضامین لالایی‌های آن منطقه مفید واقع شود.

اهداف و سؤالات پژوهش

این پژوهش با هدف پاسخگویی به چند سؤال طراحی شده است: اول؛ لالایی‌های رایج در لامرد حاوی چه مضامینی در باب زنان و خانواده است؟ دوم؛ وضعیت زنان در خانواده به چه صورتی ترسیم شده است؟ سوم؛ کارکرد لالایی‌ها به عنوان گونه‌ای از شعر زنانه چیست؟

پیشینه پژوهش

تحقیقات اندکی در باب تحلیل لالایی‌های ایران و بویژه منطقه لامرد انجام شده است. از جمله: جمالی (۱۳۸۷) در بخشی از کتاب خود با عنوان «لالایی در فرهنگ مردم ایران»، به ساختار، کارکرد و مضمون لالایی‌ها اشاره می‌نماید. وی، مضامین لالایی‌ها را در سه دسته آورده است: دسته اول شامل بیان گلایه‌ها و دردها، دسته دوم؛ آرزوها و آمال مادران، سلامتی و تندرستی فرزند و بزرگ شدن و ازدواج کردن او، دعا کردن و... و دسته سوم؛ مضامین سیاسی و اجتماعی.

حسن‌لی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «لالایی‌های مخملین؛ نگاهی به خاستگاه و مضامین لالایی‌های ایرانی»، مضامین لالایی‌ها را شامل موارد زیر می‌داند: آرزوها و آرمان‌های مادرانه، مانند بزرگ شدن، سواد آموختن، قرآن خواندن، همسرگزیدن فرزند، بازگشت پدر از سفر، بیان دردها و رنج‌ها و خستگی‌های مادر، تشبیه کودک به گل‌های گوناگون، دعوت کودک به خواب و... .

وجدانی (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان «لالایی، موسیقی؛ نقش زن در انتقال فرهنگ شفاهی» سعی نموده است تا ضمن اشاره به نقش مادران در انتقال فرهنگ شفاهی به نوزادان، مفاهیم موجود در لالایی‌ها را نیز مطرح نماید.

عمرانی (۱۳۸۱)، در کتابی با عنوان «برداشتی از لالایی‌های ایران» مضامین لالایی‌ها را با تأکید بر چند داستان خاص بررسی کرده است. مضامین لالایی‌های مطرح شده به صورت کلی شامل محبت مادر، جنسیت کودک، طبیعت و محیط زندگی، مسایل اجتماعی و اقتصادی و اشارات تاریخی می‌باشد.

سعیدی و قانندی (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان «نگاهی به لالایی در ادبیات عامیانه مردم لامرد»، مضامینی را که مطرح کرده‌اند شامل گله‌ها و شکایت‌های مادر، سخن گفتن از خواب خود، آرزوهای مادران و توصیف اعضای خانواده و ... است.

مطالعه پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که پژوهشگران غالباً به جمع‌آوری و دسته‌بندی موضوعی لایایی‌ها پرداخته‌اند و کمتر آن‌ها را به صورت اجتماعی مورد تحلیل قرار داده‌اند. این پژوهش ضمن استفاده از دستاوردهای پژوهش‌های پیشین به مطالعه و تحلیل محتوای لایایی‌ها از دیدگاه جامعه‌شناسی و آن هم درباره منطقه‌ای خاص (لامرد فارس) پرداخته است.

مرور نظری پژوهش

امروزه لایایی‌ها به‌عنوان بخش مهمی از فولکلور، جایگاه خاصی را در بررسی‌های فمینیستی به خود اختصاص داده‌اند. موی^۳ (۱۹۹۷) فمینیسم را به‌عنوان نوع خاصی از گفتمان سیاسی، تشکل انتقادی و عملکرد نظری برای مقاومت در برابر پدرسالاری^۴ و جنس‌گرایی^۵ معرفی می‌کند. در گذشته نظریه‌ها و رهیافت‌های فمینیستی ارزش زیادی برای فولکور قائل نبودند و آن‌ها را ابزاری برای تحت سلطه درآوردن افراد، می‌دانستند، اما در سال‌های اخیر از زاویه دیگری به آن‌ها توجه کرده و به درک اهمیت آن‌ها پی‌برده و به مطالعه‌شان پرداخته‌اند (استولتج^۶، ۱۹۸۸؛ میلز^۷، ۱۹۹۳) به‌طوری که گروهی از محققان این حوزه به نام فولکوربست‌های فمینیست^۸ شهرت یافته‌اند. این گروه از فمینیست‌ها با توجه به ارتباط نزدیک فولکور با زندگی روزمره و تجربیات افراد، آن را به‌عنوان منبعی مهم از واقعیت‌های حاکم بر زندگی افراد و به خصوص زنان می‌دانند. یکی از مقولات بنیادین که با ظهور فمینیسم، در مطالعات آن‌ها مرکزیت یافته، مفهوم جنسیت است. این مفهوم در حوزه مطالعات فولکور نیز مورد توجه قرار گرفته است. آن‌ها جنسیت را به‌عنوان یک مقوله بنیادین از تجربه می‌دانند و معتقدند که زنان از طریق شعرهای‌شان، خودشان و تجربیات‌شان را بویژه در ارتباط با مادری و همسری نشان می‌دهند (پاپکه^۹، ۲۰۰۸: ۴۳). این گروه از محققان، این سؤال را مطرح می‌کنند که از تجربه زنان چه چیز می‌توان یاد گرفت (لوین^{۱۰}، ۱۹۹۳؛ لاسر^{۱۱}،

3. Moi, Toril

4. Patriarchy

5. Sexism

6. Stoeltje, B

7. Mills, M

8. Feminist Folklorist

9. Papke, R

10. Levin, Judith

11. Lanser, Susan

لالایی‌ها، رسانه‌های زنانه یا ملودی خواب‌آور کودکانه ۶۱

۱۹۹۳؛ کیز^{۱۲}، ۱۹۹۳). فمینیست‌ها به تجربه، اظهارات و تعابیر زنان در همه اشکال آن برای ارزیابی واقعیت‌های زندگی آن‌ها در فرهنگ‌ها و زمینه‌های مختلف قومی توجه می‌کنند. این محققان، با تمرکز بر تجربه زنان، عرصه‌هایی را که قبلاً نادیده گرفته می‌شدند، مورد کاوش قرار می‌دهند. بعلاوه آن‌ها رهیافت‌های نظری و روش‌شناختی جدیدی را توسعه دادند که عملکرد مطالعات فولکور را گسترش می‌داد (کوسالوس^{۱۳}، ۱۹۹۹). یکی از این حوزه‌های نظری، انتقادگرایی ادبی فمینیستی^{۱۴} است. بنا به تعبیر لیتگوس^{۱۵} (۲۰۰۷ به نقل از ناوار^{۱۶}، ۲۰۰۷)، انتقادگرایی ادبی فمینیستی رهیافتی است به ادبیات که به دنبال آن است تا متن‌هایی را که از سلطه مردانه حمایت می‌کند با دیدگاهی انتقادی و با استفاده از آگاهی فمینیستی تصحیح و یا تکمیل نماید. این رهیافت، متن ادبی را در زمینه اجتماعی خود قرار می‌دهد و رشته‌های مختلفی را به کار می‌گیرد تا دیدگاهی را فراهم نماید که نسبت به مسأله فمینیست حساس باشد. بنابراین نظریه‌های فمینیستی در این باب تلاش می‌کنند تا این بازنمایی را از دیدگاه زنانه درک نمایند و ادبیات زنان را به عنوان استراتژی‌هایی در شرایط اجتماعی خاص مطرح نمایند (موی، ۱۹۹۷: ۲۴۶).

گروهی از نظریه‌پردازان به ترانه‌های زنانه به مثابه وسیله‌ای جهت کسب قدرت نگریسته‌اند. طرفداران این دیدگاه معتقدند که زنان با خواندن اشعار و ترانه‌ها به دنبال کسب قدرت و اختیار در جامعه‌ای هستند که به آن‌ها و نوشته‌های آن‌ها توجه نمی‌شود. در چنین زمینه اجتماعی، میزان ارتباطات ادبی پایین بوده و انتقادات فرهنگی و تحرکات سیاسی نیز به طور مؤثر و کارآمد توسط نوشته‌ها انجام نمی‌شود و خواندن و یا اجرای شفاهی ترانه‌ها و اشعار کارایی بیشتری دارد و به منزله استراتژی جایگزین نگریسته می‌شود (هوگان^{۱۷}، ۲۰۰۸). اندیشمندان با مطالعه ترانه‌های محلی (گونه‌ای فولکور) ضمن توجه به تجربیات زنان، به بررسی شیوه‌های مقابله در برابر پدرسالاری نیز پرداخته‌اند. جوسف^{۱۸} (۱۹۸۰: ۴۳-۴۱) معتقد است که ساختار ترانه‌ها، استراتژی‌هایی را می‌سازد و به عنوان حربه‌ای به زنان کمک می‌کند تا در جامعه مردسالار، صدایی داشته باشند و کنترلی بر زندگی‌شان کسب نمایند. در واقع این ترانه‌ها خروجی یا مفری است که زنان

12. Keyes, Ch

13. Kousaleos, N

14. Feminist Literary Criticism

15. Litgloss

16. Nawar, N

17. Higan, B

18. Joseph, T

می‌توانند شرایط موجود و یا عقاید قالبی مردان را در باب خودشان مورد انتقاد قرار دهند. وی معتقد است که هرچند ترانه‌ها ممکن است به عنوان مکانیسم‌هایی برای کسب قدرت توسط زنانی که آن‌ها را می‌خوانند قلمداد شود، اما آن‌ها هرگز به منبع اصلی بی‌قدرتی و ضعف‌شان که همان نهادهای مردسالاری و ازدواج است، حمله نمی‌کنند.

روش پژوهش

این پژوهش به روش تحلیل محتوای کیفی^{۱۹} با رویکرد استقرایی انجام شده است. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری نظری و واحد تحلیل «تم» بوده است. دو تم اصلی، در این پژوهش مورد نظر بوده که شامل کارکرد لالایی‌ها در روابط زن و شوهر و در روابط مادر و کودک می‌باشد. لذا در انتخاب لالایی‌ها تنها لالایی‌هایی انتخاب شده‌اند که دربردارنده این دو تم بودند. لالایی‌های مورد استفاده، توسط محققان به صورت میدانی و با مصاحبه حضوری جمع‌آوری گردیده‌اند. سپس، لالایی‌های جمع‌آوری شده به دفعات مورد مطالعه قرار گرفتند، کدگذاری شدند و چندین کد تحت یک مفهوم دسته‌بندی شد و تمام مفاهیم استنتاج شده یادداشت گردید. سپس با در دست داشتن مفاهیم استخراج شده، مجدداً به میدان تحقیق بازگشته و لالایی‌های دیگری نیز جمع‌آوری شد و این کار تا آن‌جا ادامه یافت که دیگر مفهوم جدیدی از لالایی‌ها استخراج نشد و لالایی‌ها بیشتر جنبه تکراری پیدا کرده و یا دارای مفاهیم مشابه گردید. سپس مفاهیمی که مضمون مشترکی را در برداشت تحت یک مقوله دسته‌بندی شد و در نهایت آن مقوله مورد تحلیل قرار گرفت.

مفاهیم لالایی‌ها

لالایی‌ها علاوه بر کارکرد آشکار خود، کارکردهای پنهانی نیز دارند که در این قسمت سعی بر آن است که ضمن ترسیم وضعیت زنان، بیشتر بدان‌ها پرداخته شود. در این مقاله، جهت بررسی لالایی‌ها، دو تم اصلی برای آن در نظر گرفته شد؛ اول: کارکرد لالایی‌ها برای زن به عنوان همسر، دوم: کارکرد لالایی‌ها برای زن به عنوان مادر. قبل از پرداختن به این دو تم اصلی، به شکل غالب خانواده و وضعیت زنان در خانواده با توجه به اشارات موجود در لالایی‌ها پرداخته می‌شود.

شکل غالب خانواده

با توجه به مضامین موجود در لالایی‌های ایران تا حدودی می‌توان به ساختار غالب خانواده در مناطق مختلف پی‌برد. در بیشتر لالایی‌های ایرانی و مخصوصاً لالایی‌های لامرد، پدر در خانه حضور ندارد و معمولاً هم به سفرهای طولانی رفته است. بسیاری از مردان لامردی از گذشته‌های دور تا به امروز، برای گذران زندگی و معاش به کشورهای سواحل خلیج فارس سفر می‌کرده‌اند. به همین دلیل، قسمت عمده‌ای از سال و حتی چندین سال، فضای خانه، خالی از حضور پدر بوده است. لذا ساختار غالب خانواده در لامرد با دوره‌های حضور و غیاب پدر توأم بوده است. به لالایی‌های زیر توجه کنید:

لالالا گل خشخاش بابات رفته، خدا هم‌راش
لالالا گل نعا بابات رفته شدم تنها
لالالا گل پسته بابات بار سفر بسته
لالالا گل کُنْجی باباش رفته راه کُنْجی^{۲۰}
لالالا گل اُوشُم^{۲۱} باباش رفته هم‌رای اِشُم^{۲۲}

نکته دیگری که در لالایی‌های این منطقه مشاهده می‌شود آن است که زنان به خانواده خود نسبت به خانواده شوهر، بهای بیشتری داده، سعی در نیک جلوه‌دادن و دعا برای سلامتی آن‌ها و به‌خصوص دایی و برادر نموده‌اند. لالایی‌های زیر نمونه‌ای از آن‌ها هستند:

لالایی‌ت می‌کُنم تا روز واوو^{۲۳} که دشمنوی خالوت کور واوو

دی پدر خوون که در سایش بشینی دی رفیکی می‌کنه بیچاره مادر دی لالایی روزم
دی ندیدم میوه‌ای بهس از برادر لا دی لالا لالا دی خو می‌یره روزم

^{۲۰} . خنج : از شهرهای بزرگ و تاریخی واقع در جنوب فارس بر سر راه شیراز.

^{۲۱} . اُوشُم: آویشن، گیاه دارویی.

^{۲۲} . اِشُم : معنای خاصی ندارد. به احتمال زیاد تنها برای مطابقت قافیه چنین کلمه‌ای بکار برده شده است.

^{۲۳} . روز واوو: روز بشود.

وضعیت زنان در خانواده و تقسیم کار جنسی و سنتی

عدم حضور پدر در خانواده و سفر رفتن وی به منظور کار یا تجارت، حاکی از آن است که تأمین اقتصادی خانواده بر عهده مردان بوده و زنان به مدیریت منزل و پرورش و تربیت فرزندان مشغول بوده‌اند. البته مضامین لالایی‌ها حکایت از آن دارد که زنان علاوه بر مدیریت منزل به دامداری و چوپانی نیز می‌پرداخته‌اند. کاربرد مفاهیم گله، ایشم (گله گوسفندان)، چوپانی، نشان می‌دهد که دامداری در لامرد رواج داشته است و زنان در امر دامداری و چوپانی مشارکت داشته‌اند و حتی به نظر می‌رسد داشتن گله مایه مباحثات بوده چنان‌که مادر آرزو می‌کند روزی گله گوسفندان فرزندش را بچرانند:

دلُم می‌خوا ازین قلیون، ازین نی لالالالای روزم
ازین جامی که روزم می‌خوره می لالالالای روزم
دلُم می‌خوا بُز روزم چروئُم لالالالای روزم
چه موسی گوسفندا را کُئُم هی لالالالای روزم

لالالالای روزم چروئُم گله‌ای اندر پلندی
که تا گرگان نگیرن گوسفندی لالالالای روزم
بیارم با خودم سنگوی کُهانسی لالالالای روزم
کنم ازگردن گرگان کوئسی لالالالای روزم

۱- کارکردهای لالایی‌ها در روابط زن و شوهر

نتایج تحلیل محتوا نشان می‌دهد که لالایی‌ها علاوه بر کارکرد ظاهری خود (که خوابانیدن و پرورش کودک است) کارکردهای پنهانی نیز داشته‌اند که در این‌جا به آن‌ها اشاره می‌شود:

- بیان عشق:

یکی از مضامین مطرح شده در لالایی‌ها که هم به دوری عاطفی زن و شوهر اشاره دارد و هم به فرهنگ حاکم در جامعه مردسالار، عدم بیان صریح عشق از طرف زنان است. به نظر می‌رسد بیان عشق از سوی زنان هنجار نبوده و اظهارش باعث شرمگینی آن‌ها می‌شده و رفتاری خلاف انتظار محسوب می‌شده، بنابراین جز در لفافه بازگو نمی‌شدند. اما به دلیل آن‌که لالایی‌ها با صدای بلند و گاه در حضور شوهر، معشوق

لالایی‌ها، رسانه‌های زنانه یا ملودی خواب‌آور کودکانه ۶۵

و یا دیگران خوانده می‌شدند، فرصتی به زنان می‌داده تا به صورت غیرمستقیم به ابراز عشق و علاقه خود به همسر و یا معشوق خود بپردازند. به لالایی‌های زیر توجه کنید:

دَلْمِ مِی خَوَا بِرَم بُون پَلَنَدِی پَوَنَدَم نَنَنی خِیَلِی قَشَنگی
بَشِیْنَم پای ننی شَعْر بگوئِم برای خَاطِر یَه سَبزَه رَنگی

در این لالایی، واضح است که گهواره بهانه‌ای است برای اظهار عشق و دلتنگی و منظور از «سبزه رنگ»

نیز معشوق خواننده است و نه فرزند. لالایی‌های زیر نیز عشق در لفافه زن را نشان می‌دهد:

دی لالا لالا لالا لایی روزم نمی‌رم زنده بو بابای روزم لا
دی دو تا بودین که داغ هم ندیدیم گل از خرون کنیم سایش بشینیم
گل از خرون ما سایی نداره که درد عاسکی^{۲۴} چاری^{۲۵} نداره

پسینی که در خونه نشستم^{۲۶} چشم لالا لالا لایی
نظر آ گوشه‌ی چشای تو بستم^{۲۷} چشم لالا لالا لایی
به والله که از رسوایی می‌ترسم چشم لالا لالا لایی
اگر نه تا قیامت می‌نشستم چشم لالا لالا لایی
دلم می‌خوا بیایم تو قضایت^{۲۸} چشم لالا لالا لایی
به زیر سر نه‌م شال و قبایت چشم لالا لالا لایی

و یا در لالایی زیر زن، فرزند را بهانه کرده و دوری از شوهر و دلتنگ شدن برای وی را بازگو می‌کند. از

آنجا که لالایی برای فرزندی گفته می‌شود که در گهواره و نزد مادر است بنابراین در این لالایی منظور

خواننده (زن)، روزش (فرزندش) نیست بلکه شوهرش است که از او دور است:

دی خودم این‌جا دلم دی از پیش روزم دی لالا لالا لایی روزم
دی خدایا این سفر کی می‌روه سر دی دوباره من ببینم روی روزم

^{۲۴} . عاشقی.

^{۲۵} . چاره.

^{۲۶} . نشستن : مخفف نشستن.

^{۲۷} . بستن : مخفف بستن.

^{۲۸} . فضا: خانه، حیات خانه. در منطقه لامرد به خانه و حیات خانه فضا می‌گویند.

لالایی زیر نیز شاهد دیگری بر این ادعاست. در این اشعار یار به دلبرش می‌گوید: به هنگام سحر به بهانه‌ی لالایی گفتن برای فرزندت از خواب بلند شو تا من صدای تو را بشنوم:

لالالایی گــــل نــــو میون چتر و چوگونیت^{۲۹} کنم خو^{۳۰}
لالالایا بگــــن تا ماه بیشینه تا دیتون داغ عزیزش نوینه
سحر پاشو بکن لالای روزت که تا من بشنوم صوت سرورت
دل «فایز» چه طفلی گل گرفته بخوابون دمی لالا کن ای روز

البته بیان اصطلاح دوری عاطفی زن و شوهر در این مقاله به معنای این نیست که آن‌ها همدیگر را دوست نداشته‌اند بلکه بیشتر بیان‌کننده فاصله‌ای است که فرهنگ جامعه بین آن‌ها ایجاد کرده است. عشق و دوست داشتن شوهر توسط زن را علاوه بر این که در بیان عاشقانه لالایی‌ها می‌توان ملاحظه کرد، در دعای سلامتی زن برای شوهر نیز به طور مستتر مطرح می‌گردد. به لالایی زیر و دعای زن برای شوهر و یا ابراز خوشحالی وی برای بازگشت شوهرش از سفر توجه نمایید:

لالالایا گل قــــالی بابات رفته که جاش خالی

لالالایا گل سوسن بابات اومد چش ام روشن

لالالایا گل نــــازی بابات رفته به سربازی

خدا همراه راهش بو علی پشت و پناهش بو

لالالایا گل خشخاش بابات رفته، خدا همراهش

– بیان خواسته‌ها و آرزوها:

به نظر می‌رسد بیان مستقیم خواسته‌ها از طرف زن نیز مانند اظهار عشق آن‌ها در جامعه باب نبوده است. لذا علاوه بر بیان غیرمستقیم عشق، بیان غیرمستقیم خواسته‌ها و آرزوها نیز در قالب لالایی از سیاست‌ها و تاکتیک‌های زنانه بوده است. این خواسته‌ها و آرزوها هم شامل آرزوها و خواسته‌های زن برای

^{۲۹} . چتر چوگون: کنایه از زلف.

^{۳۰} . خو: خواب.

لالایی‌ها، رسانه‌های زنانه یا ملودی خواب‌آور کودکانه ۶۷

خودش و هم برای فرزندش است. به عنوان نمونه، در لالایی زیر، مادر آرزوی رفتن به سفرهای زیارتی را به شکل دعای گنجانده شده در دل لالایی به اطلاع شوهر می‌رساند:

لالالای روزم	امیر المؤمنین دردم دوا کن
نصیب و قسمتم از کربلا کن	لالالای روزم
به حق گمّ سبز محمّد	که هر کس مطلبی داره ادا کن

از آن‌جا که بسیاری از والدین و به‌خصوص مادران کاستی‌ها و آرزوهایی دست نیافته خود را برای فرزندان‌شان آرزو می‌کنند، لذا می‌توان از خلال آرزوهای مادران برای فرزندان‌شان، به آرزوهای خودشان نیز پی‌برد. یکی از عمومی‌ترین و فراوان‌ترین آرزوهایی که مادران برای فرزندشان مطرح می‌کنند سوادآموزی است. این آرزو که همواره به تعابیر مختلفی بیان شده است حکایت از بی‌سوادی مادران و آرزومندی آن‌ها برای تحصیل دارد که در شرایط خاص جامعه برای‌شان امکان‌پذیر نبوده است:

لالالا عزیز ترمه پوشم کجا بردی کلید عقل و هوشم
لالالا که لالات بی بلا بو خودت ملا ، قلمدونت طلا بو

لالالا عزیز الله قلم دس گیر ، برو ملا بخوون جزو کلام الله

- بیان اعتراض:

یکی دیگر از کارکردهای لالایی‌ها، بیان اعتراض منفعلانه زنان به شرایط موجود است. از آن‌جا که سراینده لالایی‌ها زنان بوده‌اند می‌توان با تأمل در مضامین لالایی‌ها به عمق اعتراض و اندیشه آنان پی‌برد. زنان در جامعه‌ای که فاقد قدرت اجتماعی‌اند و در فضای بسته حاکم بر جامعه، جایی برای اعتراض ندارند، مجبورند زخم‌هاشان را به جای فریاد، با آهنگ حزن‌انگیز لالایی‌ها اظهار دارند. لذا به نظر می‌رسد لالایی‌ها منتقل‌کننده اعتراض‌های زنان نیز بوده‌اند. یکی از شواهد این ادعا اعتراض‌های منفعلانه‌ای است که زنان در بیشتر لالایی‌های ایرانی و به‌خصوص لالایی‌های منطقه لامرد فریاد می‌کنند و آن نگرانی همیشگی آن‌ها از مسأله ازدواج مجدد شوهران‌شان است. این نگرانی همواره همراه آنان بوده و از این مسأله بشدت رنج می‌برند. طبیعی است که این نگرانی و ترس در میان زنان لامردی، به دلیل سفرهای طولانی شوهر و احتمال ازدواج مجدد او در کشورهای حاشیه خلیج فارس بسیار بیشتر از سایر مناطق بوده و احساس ناامنی و ناتوانی در حفظ زندگی خانوادگی در میان آن‌ها به چشم می‌خورد. توجه به عکس‌العمل اعتراضی کاملاً

منفعلا نه آن‌ها یعنی غصه خوردن و از غصه مردن به خوبی شرایط بی‌قدرتی و ناتوانی آن‌ها در جامعه را بازمی‌تاباند. به لالایی‌های زیر توجه نمایید:

لالالای گل زیره باباش رفته زنی گیره ننهش آروم نمی‌گیره

ب خواب ای دختر زیبا میون مخمل و دیببا بلم لای لای بلم لای لای
بابات رفته زن بگیره ننهت داره غصه می‌میره بلم لای لای بلم لای لای

در این لالایی نکته ظریفی نهفته است و آن این است که لالایی فوق، خطاب به فرزند دختر خوانده شده است. از این مسأله دو نکته برداشت می‌شود: اولاً به نظر می‌رسد مادر، به دلیل تشابه جنسیت، احساس نزدیکی بیشتری با دخترش کرده و وی را بیشتر غم‌خوار و دلسوز خود می‌داند و ثانیاً؛ مادر می‌داند که به دلیل تشابه مشکلات مرتبط با جنسیت، دخترش نیز در آینده مشکلاتی مشابه را تجربه خواهد کرد لذا با بیان مشکل خود به دخترش، به او می‌فهماند که آینده برای او نیز به عنوان یک زن، توأم با نگرانی است.

یکی دیگر از مضامین اعتراضی زنان اعتراض و شکایت از جامعه و شرایط زمانه و اطرافیان است:

پیر شدم که دست گیرم عصا را بگردم دور دنیای خذا را لالالای روزم
بگردم تا بجورم آب شوری بشورم هر دو دس بی نمک را لالالای روزم

چه سازم که فلک از شور من نی نشون بندگی از شون من نی لالالای روزم
که هر کس نون ما خورد، خصم ما بی یقین دانم نمک از نان ما نی لالالای روزم

چه سازم که صدایم دادرسی همه‌ی مرغی سزاوار قفس نی رفیق روز خواشم بسیارن
لالالای روزم رفیق روز سختم کسی نی

— تخلیه و سازگاری روانی:

مضامین لالایی‌ها نشان می‌دهد که به دلیل ساختار خاص خانواده و تقسیم‌کار جنسی موجود و عدم حضور مرد در خانه، وظایف زنان دوچندان شده و مجبور بودند به تنهایی بار زندگی را به دوش کشند و مشقت‌های بسیاری را متحمل شوند و لذا زمزمه لالایی‌ها مجالی بوده که در آن، تنهایی و بی‌کسی و نداشتن همراه و همراز در زندگی خود را، بارها و بارها فریاد کنند:

لالایی‌ها، رسانه‌های زنانه یا ملودی خواب‌آور کودکان ۶۹

لالالا عزیز خونه‌ی من	حکایت از دل دیوونسه من

لالالا کن ای روز	نگاهی بر دلم حالا کن ای روز

لالالا گلم باشی	بزرگ شی همدم باشی

دی لالا لالا لالی لالی روزم	دی پس دروازه پسندم امروز
دی غریب و غربت و دلتنگم امروز	دی لالا لالا لالا دی لالاروزم

از آن‌جا که دلتنگی، تنهایی و بی‌کسی یکی از مضامین عام بیشتر لالایی‌های ایرانی است به نظر می‌رسد که این تنهایی و بی‌کسی تنها به دوری جغرافیایی زن از شوهر مربوط نباشد بلکه اشاره به وضعیت زنان در جامعه و خانواده و دوری روانی و عاطفی زن از شوهر و اطرافیان دارد. لذا یکی از کارکردهای لالایی‌ها برای زنان تخلیه روانی بوده است. استفاده از مفاهیم «بی‌کسی»، «بی‌همدمی»، «تنهایی» و... نشان‌دهنده فشارهای روانی زیادی است که زنان در خانواده و جامعه متحمل می‌شده‌اند. از آن‌جا که مضامین لالایی‌ها بیشتر شکل گله و شکایت و آرزو و برنامه‌ریزی برای آینده کودک دارد باعث تخلیه روانی زنان شده و تأثیر آرام‌بخشی بر آن‌ها داشته است. روان‌شناسان نیز معتقدند «خواندن» و «حرف‌زدن» از مسایل و مشکلات، انسان را تسکین می‌دهد (عمرانی، ۱۳۸۱).

۲- کارکردهای لالایی‌ها در روابط مادر و کودک

— اظهار عشق به فرزند

یکی از عمده‌ترین مضامین لالایی‌ها، عشق مادر به فرزند است که در جای‌جای لالایی‌ها به اشکال مختلف مطرح گردیده است. تشبیه کودک به انواع گل‌ها، قربان صدقه‌های مادر، آرزوها و دعا‌های وی برای فرزندش، همه بیانگر عشق مادر به فرزندش است. به نمونه‌های زیر توجه نمایید:

لالالا گلم در خواب

گلم پیدا گلم هرگز نشه بیمار

لالایی می‌کنم تا ماه بیشینه

که مادر داغ فرزندش نویسه

لالالا گل زردُم / نبینم داغ فرزندم

لالالا که لالات می‌کنم مو / نگا بر قد و بالات می‌کنم مو
لالالا که لالات بی‌بلا بی / نگهدار شب و روزت خدا بی

لالالا گل پونه / لالالا گل خشخاش / لالالا گل بادُم / لالالا گل نعا / لالالا گل زیبا / لالالا گل
آلو / لالالا گل فندق / لالالا گل کُنْجی / لالالا گل اُوشُم^{۳۱} / لالالا گل زیره / لالالا گل قالی و ...

— توجه به جنسیت:

زنان در بیان لالایی‌ها به جنسیت فرزندان نیز توجه می‌کردند و متناسب با آن لالایی می‌خواندند. کلمه «روز» از کلمات رایج در لالایی‌های لامردی است و در گویش محلی به فرزند می‌گویند و ظاهراً دختر یا پسر بودن آن مهم نبوده اما بیشتر در مفهوم فرزند پسر کاربرد دارد. هرچند کلمه روز (فرزند) معنایی دو پهلو دارد اما توجه به مضامین موجود در لالایی‌ها و نشانه‌هایی که در آن وجود دارد می‌تواند به ما بفهماند که این لالایی برای پسران گفته شده است یا برای دختران. به لالایی زیر توجه کنید:

لالالای روزُم ^{۳۲}	خدا که من نوینم ^{۳۳} داغ روزُم
دی قذتِ نازُم ^{۳۴}	که عیبی در قذتِ نی
لبت نازُم	که گفتار بـذتِ نی
چشت نازُم	میان‌هی هر دو ابـروت
نمیـری روز	که دُنْیوی عَوَصیتِ نی
لالالای روزُم	خدا که من نوینم داغ روزُم

^{۳۱}. اُوشُم: آویشن، گیاه دارویی.

^{۳۲}. روز: روز یا رود در گویش لامردی به فرزند می‌گویند و دختر یا پسر بودن آن، زیاد مد نظر نیست. هرچند که بیشتر در مفهوم

فرزند پسر بکار می‌رود.

^{۳۳}. نوینم: نبینم.

^{۳۴}. دی: مادر.

لالایی‌ها، رسانه‌ای زنانه یا ملودی خواب‌آور کودکان ۷۱

مضمون لالایی فوق توصیف چشم و ابرو و لب و قد فرزند است. با توجه به این که توصیفات ذکر شده معمولاً برای دختران به کار می‌رود به نظر می‌رسد این لالایی برای دختران خوانده شده است. در عوض، لالایی زیر که به مراسم خواستگاری اشاره کرده است، خطاب به پسر خوانده می‌شود:

لالالا بکن خو^{۳۵} میره روزم^{۳۶} به سر وخت گل نو میره روزم
دی جان، شب شنیز خیال یارت اومد^{۳۷} دوشنیز کاصد دل‌داریت اومد
سه شنیز من بشینم انتظارت^{۳۸} که چارشنیز گل ریحانت اومد

در برخی از لالایی‌ها، بعضی کلمات مطرح شده‌اند که به راحتی مخاطب آن، تشخیص داده می‌شود مثل لالایی زیر که کلمه کنیز (برای دختر) و غلام (برای پسر) آورده شده است. پیدا کردن این نشانه‌ها می‌تواند به ما در درک و مقایسه لالایی‌هایی که برای دختران خوانده شده و لالایی‌هایی که برای پسران خوانده شده یاری رساند. مادران بعضی از آرزوها را برای دختران و بعضی دیگر را برای پسران مطرح می‌کنند. مقایسه مضمون دو لالایی فوق و لالایی‌هایی که به تفکیک برای پسران و دختران خوانده می‌شود به خوبی نشان‌دهنده آن است که مادر برای آینده پسرش برنامه‌ها دارد اما در مورد دخترش این‌گونه نیست. این مسأله حکایت از معلوم بودن و قابل پیش‌بینی بودن آینده پسران و مبهم بودن آینده دختران دارد. البته بعضی از آرزوهای مادران هم برای فرزند دختر و هم برای فرزند پسر به طور مشابه تکرار می‌شود. خدمت به ائمه و اهل بیت آن‌ها از آن جمله است:

لالالا بکن تا خوابت آیه^{۳۵} علی شیر خدا فریادت آیه
لالایت می‌کنم صد ساله باشی^{۳۶} کنیز حضرت معصومه باشی

لالایت می‌کنم تا زنده باشی^{۳۷} غلام حضرت معصومه باشی

علی و فاطمه قربون نامت^{۳۸} خودم جاروکش و روزم غلامت

^{۳۵} . خو؛ خواب.

^{۳۶} . وخت؛ وقت.

^{۳۷} . کاصد؛ قاصد.

— برقراری رابطه عاطفی با کودک

همان‌طور که گفته شد به دلیل عدم حضور همیشگی مردان لامردی در خانه، طبیعی است که کودک و مادر متقابلاً انس بیشتری با یک‌دیگر برقرار می‌سازند تا جایی که مادر در نبود شوهر، کودکش را همدم و مونس خود می‌داند:

لالالایا گلم باشی انیس و مونسَم باشی
بیارین تشت و آفتووه بشورین روی شهزاده
که شاهزاده خداداده همون اسمش خداداده

الا لا لا تو را دارم چرا از بی کسی نالم؟

لالالایا گلم باشی تو درمون دلَم باشی
بمونی مونسَم باشی بخوابی از سرم و اشی

این‌گونه از لالایی‌ها علاوه بر وجود رابطه عمیق عاطفی مادر و کودک، نشان‌دهنده نوع نگرش به کودک نیز هستند. نگرش به کودک هم به عنوان انیس و مونس مادر و پرکننده تنهایی‌های او و هم به عنوان عسای روزگار پیری مطرح شده است و این همه، نشان‌دهنده تنهایی مادر و نگرانی او از آینده است. مادران همیشه نگران از دست دادن فرزند (به واسطه ازدواج) و دوری از وی و تنهایی مضاعف هستند. نداشتن آینده‌ای مطمئن و نگرانی از بر باد رفتن زحماتی که مادر برای فرزند خود (به عنوان تنها همدم و مونس تنهایی) می‌کشد از مضامینی است که در لالایی‌ها دیده می‌شود و در این منطقه به دلیل غیبت‌های طولانی پدر و نگرانی از ازدواج مجدد وی و احساس تنهایی و بی‌کسی مادر تشدید شده است. این مسأله در لالایی‌های زیر به خوبی مطرح گردیده است:

مولا لالت می‌کنم خوابت نمی‌یا بزرگت می‌کنم یادت نمی‌یا

گل سرخ منی زنده بمونی ز عشقت می‌کنم من باغبونی
تو که تا غنچه‌ای بویی نداری همین که گل شدی از دیگرونی

لالایی‌ها، رسانه‌های زنانه یا ملودی خواب‌آور کودکانه ۷۳

لالایت می‌کنم تا سن پیری که شاید گُت^{۳۸} بشی دَسْم^{۳۹} بگیری

– تربیت دینی کودک

بعضی از لالایی‌های این منطقه حاوی مضامین دینی است. وجود این لالایی‌ها به چند نکته اشاره دارد: اولاً: بافت اجتماعی موجود بافتی مذهبی بوده است؛ ثانیاً: مادران و به عبارتی زنان دارای اندیشه‌هایی دینی بوده‌اند؛ ثالثاً: پرورش دینی فرزندان یکی از اهداف و آرزوهای مادران بوده است. نگرش مادران به الگوهای دینی زندگی فرزندان، بخش مهمی از مضامین لالایی‌ها را به خود اختصاص داده است. لذا می‌توان یکی دیگر از کارکردهای لالایی‌ها برای مادران را پرورش دینی فرزندان دانست. به لالایی‌های زیر توجه نمایید:

لالایت می‌کنم لالای تو خواشین علی و فاطمه همراه تو باشین

خدوندا تو پیرش کن خط قرآن نصیبش کن

لالالا گُلم باشی بزرگ شی هم دُم باشی

کلام الله تو پیرش کن زیارت‌ها نصیبش کن

آلالا لوی محمد بیابون می‌چره گله محمد

همه سرور دینا و دینین محمد نور رب العالمین

امیر المؤمنین در شاه دینین محمد نور رب العالمین

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تحلیل محتوای لالایی‌ها در دو تم اصلی مورد بررسی قرار گرفتند: در تم نخست: کارکرد لالایی‌ها برای زنان به‌عنوان همسر مورد بررسی قرار گرفت و در تم دوم: به کارکرد لالایی‌ها برای زنان به عنوان مادر پرداخته شد و در نهایت هشت مفهوم (کارکرد) بیان خواسته‌ها و آرزوها، بیان عشق به شوهر و معشوق، بیان اعتراض، تخلیه و سازگاری روانی، برقراری رابطه عاطفی با کودک، بیان عشق به کودک،

^{۳۸} . گُت: بزرگ، گنده.

^{۳۹} . دَس: مخفف دست.

تربیت دینی، نگاه جنسیتی به فرزند مطرح شد. همه این مفاهیم با توجه به جوهره اصلی آن، تحت یک مقوله هسته با نام لالایی به مثابه رسانه‌ای زنانه جای می‌گیرد. با توجه به شکل خانواده و تقسیم کار جنسیتی مطرح شده در لالایی‌ها و مطابقت آن با زمینه اجتماعی و فرهنگی شکل‌گیری لالایی‌ها می‌توان زنان را در شرایطی محدود و درگیر نقش‌های تفکیک‌شده و سنتی در جامعه مردسالار تجسم نمود. لذا لالایی‌ها در چنین شرایطی علاوه بر کارکرد آشکار خود که خوابانیدن کودک است، کارکردهای پنهانی نیز برای زنان داشته است. از آن‌جا که در شرایط حاکم بر جامعه گذشته (مردسالاری و جامعه سنتی)، زنان در عرصه عمومی، قدرت و مشارکت اجتماعی پایینی داشته و لذا عرصه‌ای برای ابراز وجود، اعتراض علنی و بیان خواسته‌های خود نداشته‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد اولاً، لالایی‌ها برای زنان فضا و عرصه‌ای بوده است که به بیان اعتراض خود به مسایل موجود و شرایط زمانه بپردازند. ثانیاً، لالایی‌ها به دلیل آن‌که، گاه در حضور دیگران خوانده می‌شدند، به زنان این فرصت را می‌داده است تا به طور غیرمستقیم به بیان خواسته‌های خود بپردازند. بدین طریق، در حالی که ظاهراً مخاطب لالایی‌ها کودک است اما در باطن، حرف‌هایی را به دیگران و مخصوصاً شوهر منتقل می‌سازند. بنابراین دومین کارکرد لالایی‌ها این بوده است که شرایطی برای گفت و شنود و بیان خواسته‌ها و به عبارت بهتر تسهیل روابط، مهیا می‌ساخته است. سوم، از آن‌جا که مضامین لالایی‌ها بیشتر شکل «درد و دل» به خود گرفته است لذا فضایی برای تخلیه فشار ساختاری و روانی موجود فراهم می‌آورده است. در مورد فرزندان نیز همان‌طور که مطرح شد لالایی وسیله‌ای برای بیان عشق و پیوند عاطفی مادر به کودک و گوشزد کردن دلواپسی‌ها و خواسته‌های مادر از کودک و منتقل‌کننده پیام‌های مذهبی (تربیت دینی) به آن‌ها بوده است.

بنابراین با استناد به نوع کارکردهای لالایی‌ها برای زنان، که بیشتر حکم انتقال‌دهنده یا پیام‌رساننده را دارند، می‌توان تمام مفاهیم مطرح شده (کارکردها) را در یک مقوله هسته (لالایی به مثابه رسانه‌ای زنانه) گنجانند و لذا می‌توان گفت که لالایی‌ها بیش از آن‌که ملودی خواب‌آوری برای کودکان باشند، حکم رسانه‌ای را داشته‌اند که زنان در شرایط بسته حاکم بر جامعه مردسالار از طریق آن پیام‌های (اعتراضات، خواسته‌ها، آرزوها، حرف‌ها و...) خود را به سایرین منتقل می‌کرده‌اند. اما امروزه با تغییر شرایط اجتماعی و فرهنگی زنان و مادران، لالایی‌ها کارکرد خود را اندک‌اندک از دست داده‌اند. با وجود آن‌که امروزه هنوز هم مردسالاری کم و بیش بر جامعه حاکم است، اما از یک‌سو، تغییر شرایط حاکم بر روابط درون خانواده‌ها و از سوی دیگر تغییر شرایط حاکم بر جامعه، امکانات و فرصت‌های متفاوتی را برای زنان ایجاد کرده و به آن‌ها

لالایی‌ها، رسانه‌ای زنانه یا ملودی خواب‌آور کودکان ۷۵

امکان مشارکت در حوزه‌های مختلف را داده است و با گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی مانند تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات، اینترنت و ...، موجب گردیده تا ابزارها و راهبردهای زنان برای اعتراض و بیان خواسته‌ها و به‌طور کلی انتقال پیام‌ها، عوض شده و به شیوه جدیدتری به بیان خواسته‌های خود اقدام نمایند. به‌نظر می‌رسد از بین رفتن این کارکرد مهم، به بی‌اقبالی لالایی‌ها در میان زنان منجر شده و سایر کارکردهای آن‌را از جمله کارکردهایی که برای کودکان و ارتباط مادران با آن‌ها داشته، نیز تحت‌الشعاع خود قرار داده است. لذا امروزه جز در بعضی روستاها و جوامع سنتی، بندرت مادری برای فرزندش لالایی می‌خواند.

از آن‌جایی که جوامع بشری در حال دگرگونی هستند، لالایی‌ها نیز به عنوان بخشی از فرهنگ مردم دچار تغییر یا فراموشی می‌شوند. لالایی‌ها هم جزء ادبیات کودک و هم جزء ادبیات بزرگسالان یا به عبارت بهتر ادبیات زنانه محسوب می‌شوند. بدین ترتیب، هم برای زنان و هم برای کودکان دارای کارکردهایی بوده‌اند. اما آن‌چه اتفاق افتاده، این است که لالایی‌ها بخش عمده‌ای از کارکرد خود را که به زنان برمی‌گردد از دست داده‌اند، لذا کارکرد کودکان لالایی‌ها با شکلی جدید سعی در حفظ خود دارد اما به دلیل عدم کارکردش برای زنان و جایگزینی کارکردهای آن توسط شیوه‌های جدید و امروزی، در میان آن‌ها رنگ باخته است. رواج سی‌دی‌ها و نرم‌افزارها و تلفن‌های گویایی که برای کودکان قصه و لالایی می‌خواند و درون مایه‌های لالایی‌های عصر جدید که بیشتر کودکان است، همگی به خوبی نشان‌دهنده تغییر در این حوزه هستند.

منابع

- احمدپناهی، محمد (۱۳۸۳) *ترانه و ترانه سرایی در ایران*، تهران: سروش.
- جمالی، ابراهیم (۱۳۸۷) *لالایی در فرهنگ مردم ایران*، تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- حسن‌لی، کاووس (۱۳۸۲) «لالایی‌های مخملین؛ نگاهی به خاستگاه و مضامین لالایی‌های ایرانی»، *مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، سال اول، صص: ۸۰-۶۱.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران، جلد سیزدهم.
- سعیدی عبدالرضا؛ قائدی، حسین (۱۳۸۷) «نگاهی به لالایی در ادبیات عامیانه‌ی مردم لامرد»، *همایش زن جنوب*، لامرد: دانشگاه آزاد اسلامی، اسفندماه.
- عمرانی، ابراهیم (۱۳۸۱) *برداشتی از لالایی‌های ایران*، تهران: پیوند نو.

وجدانی، بهروز (۱۳۸۷) «لالایی، موسیقی: نقش زن در انتقال فرهنگ شفاهی»، کتاب ماه هنر، شماره آبان ۱۳۸۷، صص: ۱۰۴-۹۸.

Del Giudice, Luisa (1988). Ninna-nanna-nonsense? Fears, Dreams, and Falling in the Italian Lullaby, *Oral Tradition*, 3 (3): 270-293.

Hogan, Brian (2008) "Gendered Modes of Resistance: Power and Women's Songs in West Africa" *Pacific Review Of Ethn Omusicology*, Vol. 13 (Fall 2008).

Joseph, Terri Brint (1980) "Poetry as Strategy of Power: The Case Of Ruffian Berber Women" *Sings* 5(3): 418-434.

Keys, Cheryl L. (1993) "We're More than a Novelty, Boys": Strategies of Female Rappers in the Rap Music Tradition, In *Feminist Messages: Coding in Wornen's Folk Culture*, ed. Joan Newlon Radner, pp. 203-20. Urbana: University of Illinois Press.

Kousaleos, Nicole (1999) "Feminist Theory and Folklore", *Folklore forum*, 30:1/2, 19-50.

Lanser, Susan. (1993) "Burning Dinners: Feminist Subversions of Domesticity", In *Feminist Messages: Coding in Women's Folk Culture*, ed. Joan Newlon Radner, pp. 36-53. Urbana: University of Illinois Press.

Levin, Judith. (1993) "Why Folklorists Should Study Housework", In *Feminist Theory and the Study of Folklore*, Eds, Susan Tower Hollis, Linda Pershing, and M.Jane Young, pp. 285-96 Urbana: University of Illinois Press.

Mills, Margaret (1993) "Feminist Theory and the Study of Folklore: A Twenty Year Trajectory Toward Theory", *Western Folklore* 52: 157-83.

Moi, Toril (1997) "Feminist, Female, Feminine" in *Feminisms*, Ed. Kemp, Sandra and Judith Squires, Oxford University Press.

Nawar, Najifa (2007) "Women in Ballads: A Comparative Study of the Chittagong and Mymensingh Gitikas", A Thesis of BRAC University.

Papke, Renate (2008) *Poems at the Edge of Differences: Mothering in New English Poetry by Women*, Erschienen im Universitätsverlag Göttingen.

Stoeltje, Beverly J. (1988) "Introduction: Feminist Revisions", *Journal of Folklore Research*, 25(3): 219-41.